

دیدگاه

نقش آفرینی تهران و سردرگمی تل آویو

پس از آغاز جنگ جاری در باریکه غزه، نام ایران بیش از هر کشور دیگری بر سر زبان بوده است و نگاه بازیگران غربی و محافل مرتبط به این کشورها مستطوف نقشی بوده که جمهوری اسلامی در این فرایند در دستور کار قرار داده است. تصور تل آویو و همپیمانان غربی اش بر این بوده که چون ایران در زمره حامیان جبهه مقاومت است و از عملیات نظامی اخیر حماس استقبال کرده، ممکن است در صحنه میدان نیز نخواهد یا نتواند حماس را در برابر تهاجم سبیغانه و گسترده اسرائیل به غزه تنها بگذارد و در این زمینه اگر نه خود، دست کم از طریق دوستان منطقه‌ای خود به کمک حماس بشتابد. این در حالی است که ایران از آغاز بحران جاری دو هدف مهم را دنبال کرده است؛ ابتدا متمرکز بر روند دیپلماتیک برای متوقف کردن تجاوز نظامی اسرائیل به غزه و دیگر خودداری از درگیر شدن در جنگ مستقیم منطقه‌ای. تأکید مکرر مقام‌های کشور مبنی بر هرگونه عدم مشارکت در عملیات حماس که در بالاترین سطح اعلام



شد، در کنار این سخنان امیرعبداللهیان مبنی بر اینکه «دست رهبران گروه‌های مقاومت روی ماشه است و خالکشان تغییردهنده نقشه کنونی سرزمین‌های اشغالی است»، مهم‌ترین نمای این سیاست است.

در سوی دیگر اما خودداری مقام‌های دولت «جوپایدن» از آنچه تل آویو در تلاش برای برجسته ساختن آن بود مبنی بر اینکه تهران را بانی اصلی حمله حماس به درون مرزهای امنیتی اسرائیل معرفی کرده و به این ترتیب کشورهای غربی را وادار به نام بردن از جمهوری اسلامی در تحلیل چرایی شروع این جنگ کند، به نوعی موجب پیچیده‌تر شدن وضعیت و تردید «پنابین نتانیاهو» برای تصمیم‌گیری درباره نحوه ادامه جنگ شد. «گراگد فایر اشتاین»، عضو برجسته مؤسسه خاورمیانه (MEI) معتقد است جنگ اخیر غزه در پی تحولات اخیر به وقوع پیوسته که پس از آشتی ایران - عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه رخ داد و بخشی از یک روند فراگیرتر همکاری در سراسر این منطقه است. این تحولات با فرایند‌های کارساز دیگری پیوند می‌خورد که حول محور بهبود روابط در داخل جهان عرب و نیز میان اعراب منطقه و نیروهای اصلی غیر عرب - یعنی ترکیه و ایران - شکل می‌گیرد و در حال دگرگونی چهره خاورمیانه است. به اعتقاد او، واشنگتن و تل آویو باید با واقعیت‌های جدید منطقه سازگار شوند. در حالی که باید فشار مداومی بر ایران بر سر برنامه هسته‌ای اش وجود داشته باشد، اما دیگر در منطقه از شعارهای پوچ غرب درباره بکارگیری گزینه نظامی برای حل مسأله، چندان استقبال نخواهد شد. به طور کلی در شرایط کنونی تأکید بر روابط مثبتی بر همکاری امنیتی و نظامی، چندان برای دولت‌ها و جوامعی که در جست‌جوی مزیت صلحی هستند که از تحولات دیپلماتیک اخیر حاصل می‌شود، قانع‌کننده نخواهد بود. در جای آن، واشنگتن و تل آویو باید به دنبال فرصت‌هایی برای تقویت روابط بر پایه پتانسیل‌های اقتصادی و اجتماعی نیرومندی باشند که همکاری گسترده‌تر منطقه‌ای پدید می‌آورد.

همچنین باید یک فاکتور ریسک‌آفرین دیگر برای آمریکا و اسرائیل نیز مورد توجه و چاره‌جویی قرار گیرد؛ بحران عمیق داخلی اسرائیل این خطر فرایند را با خود دارد که روابط منطقه‌ای آمریکا پیچیده و دشوارتر شده و فرایند عادی‌سازی با اسرائیل هم متوقف - شاید هم معکوس - شود. این تصور که آنچه در صحنه منازعه اسرائیلی - فلسطینی رخ می‌دهد، چندان راهبخت نیست و منطقه توجیهی به فلسطینی‌ها نمی‌کند، یک تصور اشتباه است. چنانچه دولت اسرائیل همچنان امنیت جاری، رفاه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم فلسطین را تهدید کند، زمینه را برای اتصاد بیشتر فلسطین و اعراب و برابر خود فراهم می‌کند و آمریکا و اسرائیل باید این چالش را صراحتاً مورد بررسی قرار دهند. اتفاقاتی که هم اینک در غزه در حال رخ دادن است و همه کشورهای عربی در کنار فلسطین قرار گرفته‌اند، مؤید این واقعیت است.



«ایران» از رایزنی‌های بی سابقه برای محکومیت جنایات اشغالگران گزارش می‌دهد

سیاست خارجی پیشرو در جنگ دیپلماتیک

گزارش

اشغالی است و اجرای این رویکرد در بحبوحه جنگ اخیر منطقه فارغ از دیپلماسی پویا و پرتحرک ممکن نبود.

این چنین بود که با ازسرگیری جنگ ویرانگر صهیونیست‌ها در باریکه کوچک غزه، دیپلمات‌های ایرانی کمترین فرصتی را برای نشان دادن واقعیات تلخ و مرگبار در سرزمین‌های اشغالی از دست نداده‌اند و ثابت کرده‌اند که فلسطین همچنان محور و مدار معادلات صلح و حقوق بشر است و قبل از هر طرح و تدبیری برای صلح، باید برای مهار ماشین خشونت تل آویو چاره جست. اگر چه هر تمللی از آن دست که در سال‌های پیش پیرامون تحولات مهم منطقه تجربه می‌شد، ادامه می‌یافت و اگر نمود دیپلماسی فعالی که ارشدترین مقامات دیپلماسی کشورهای مذاکره‌کننده در روزهای اخیر به جریان انداختند، شاید صدای مردم بی‌دفاع فلسطین چنین در جهان طنین افکن نمی‌شد.

آغاز رایزنی‌های دوجانبه

تداوم جنگ خونینی که اسرائیل به بهانه عملیات «طوفان الاقصی» به راه انداخته می‌تواند آخرین حلقه از یک جدال تاریخی باشد که نتیجه‌ای جز عمق یافتن ایجاب تحولات جاری و شکست محتوم اسرائیل نخواهد داشت. این وجه مشترک موضوعی بود که حسین امیرعبداللهیان از نخستین ساعات پس از عملیات «طوفان الاقصی»

در سفرها و تماس‌های دیپلماتیک خود با مقام‌های کشورهای منطقه و جهان مورد توجه قرار داد. امیرعبداللهیان در قامت وزیر امور خارجه ایران نخستین مقصد سفرش را پس از آغاز جنگ اخیر، عراق برگزید و او خود این انتخاب را نشانه نقش این کشور در میان کشورهای عضو محور مقاومت می‌دانست؛ کشوری که پس از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به این کشور، نه تنها به عنوان بخشی از جغرافیای سیاسی مقاومت، بلکه به عنوان پلی تسهیل‌کننده برای یکپارچگی جغرافیایی قلمروی مقاومت شناخته می‌شود. فعال شدن دیپلماسی منطقه‌ای ایران به نفع ملت فلسطین و مبارزانش که با رایزنی‌های رئیس‌جمهور و سفر وزیر امور خارجه آغاز شده بود، فضای منطقه را با خود همراه کرد و افکار عمومی منطقه بویژه مردم مبارز عراق را تحت تأثیر تحولات خونین غزه و جنایات رژیم صهیونیستی قرار داد. برپایی اجتماع بزرگ عراقی‌ها در حمایت از مقاومت فلسطین، صحنه بی‌بدلی

است و حمله‌اش ویران‌کننده و پشیمان‌کننده خواهد بود. حضور پرسروصدای امیرعبداللهیان در لبنان، مردم این کشور بویژه شیعیان و مسیحیان را نیز تحت تأثیر قرار داد

و اجتماع غلظیمی در خیابان‌های بیروت در حمایت از فلسطینی‌ها شکل گرفت. سوریه یکی دیگر از زنجیره‌های مقاومت که دو فرودگاه مهم‌ترین ایستگاه رایزنی‌های پیدا ایران مورد هجوم جنگنده‌های صهیونیستی قرار گرفته بود، ایستگاه بعدی سفر بود. به‌رغم همه موانع، امیرعبداللهیان بر انجام این سفر منطقه‌ای خود را با حضور در قطر پایان داد و استقبال نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر از ابتکار عمل ایران در برگزاری نشست اضطراری سازمان کنفرانس اسلامی از برجسته‌ترین مواضع نخست‌وزیر قطر بود. به این ترتیب وزیر امور خارجه پس از حضور در کشورهای عراق، لبنان، سوریه و

سپس قطر فعال‌ترین دیپلماسی منطقه‌ای خود را در ادوار اخیر از سر گذراند. در این سفر چهار روزه با هدف رایزنی برای توقف جنایات رژیم صهیونیستی علیه غزه بیش از ۷۰ ساعت جلسه، گفت‌وگو و دو و چند جانبه، کنفرانس خبری و گفت‌وگو رسانه‌ای با بیش از ۱۰ نفر از مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی کشورهای یادشده به همراه امیرعبداللهیان مشهور مقاومتی جهان عرب و رسانه‌ای صورت گرفت و دیدار با سید حسن نصرالله دبیرکل حزب الله لبنان، بنسار اسد رئیس‌جمهور سوریه و اسماعیل هنیه رهبر حماس مهم‌ترین چهره‌ها از حیث تأثیرگذاری آنان در این روند بود.

و اجتماع غلظیمی در خیابان‌های بیروت در حمایت از فلسطینی‌ها شکل گرفت. سوریه یکی دیگر از زنجیره‌های مقاومت که دو فرودگاه مهم‌ترین ایستگاه رایزنی‌های پیدا ایران مورد هجوم جنگنده‌های صهیونیستی قرار گرفته بود، ایستگاه بعدی سفر بود. به‌رغم همه موانع، امیرعبداللهیان بر انجام این سفر منطقه‌ای خود را با حضور در قطر پایان داد و استقبال نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر از ابتکار عمل ایران در برگزاری نشست اضطراری سازمان کنفرانس اسلامی از برجسته‌ترین مواضع نخست‌وزیر قطر بود. به این ترتیب وزیر امور خارجه پس از حضور در کشورهای عراق، لبنان، سوریه و

هدایت رویکرد بازیگران عربی



برش

آنچه دیپلماسی جمهوری اسلامی را از دیگر کشورها در جریان تحولات غزه متفاوت و برجسته می‌سازد، باید در چند نکته کلیدی جست‌وجو کرد. بحران جاری در منطقه با نقش آفرینی‌های مداخله‌جویانه ایالات متحده و همدستی با تل آویو در نسل‌کشی وحشیانه در غزه، ضرورت هدایت بازیگران عربی را مبنی بر پیگیری رویکردی برای خارج کردن ایالات متحده آمریکا از نقش تصمیم‌گیر در این جنگ و همچنین عاملی بحران‌ساز دوجانبه‌انداز کرده است؛ ضرورتی که به بکارگیری ابتکار عمل برای همکاری کشورهای منطقه را در مقابل تل آویو ضروری می‌سازد. جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور تأثیرگذار در منطقه که تاکنون نقش مؤثری در فرایند مذاکرات صلح در منطقه و رویارویی با سیاست فشار آمریکا و مداخله‌جویی منطقه‌ای آن داشته، بالاترین سطح دیپلماسی را برای یکدست کردن جهان اسلام در برابر فجایعی که در غزه می‌گذرد، به جریان انداخته است؛ از به‌جانش کشیدن رویکرد سازمان ملل در نقض قطعنامه‌های مجمع عمومی مردم فلسطین گرفته تا لزوم به محکمه کشاندن حاکمان تل آویو و فعال کردن سازکارهای جمعی کشورهای منطقه در حمایت از مردم فلسطین در کنفرانس جده و نشست نیویورک.

اینها محورهایی است که مقام‌های جمهوری اسلامی در مدت کوتاه از آغاز بحران پس از «طوفان الاقصی» مورد توجه و تأکید قرار داده و توانسته‌اند آذهان عمومی و سیاسی را در محافل بین‌المللی معطوف خود سازند.

ابتکار عمل در نیویورک

دیپلماسی فعال ایران که در پی عملیات «طوفان الاقصی» و ازسرگیری حملات خونین تل آویو علیه مردم غزه در سطح دوجانبه از عراق آغاز شده بود، در روزهای اخیر به سطح سازمان ملل رسید. محوریت تنش‌ها در شورای امنیت سازمان ملل ریشه در مناقشه دو رویکرد دارد؛ یک سو ایران، روسیه، چین و اکثر کشورهای غیردائم‌نشین سازمان ملل در پی حمله‌های مکرر و غیرقانونی اسرائیل در غزه هستند و دیدگاه دیگر از سوی حامیان رژیم صهیونیستی یا محوریت آمریکا، فرانسه و بریتانیا مطرح شده است که صرفاً به دنبال توقف کوتاه‌مدت جنگ هستند.

حسین امیرعبداللهیان که در روزهای اخیر برای حضور در نشست فوق‌العاده مجمع عمومی سازمان ملل راهی نیویورک شده است، در سخنان خود در این نشست، نسبت به پیامدهای غیرقابل کنترل حمایت‌های نامحدود مالی، تسلیحاتی و عملیاتی کاخ سفید از رژیم تل آویو که منجر به گسترش شدت بمباران غیرنظامیان و زنان و کودکان فلسطینی در غزه و کرانه باختری شده است هشدار داد و پیشنهاد تازه‌ای را برای تبادل اسرای غیرنظامی مطرح کرد. او از آمادگی ایران، ترکیه و قطر برای نقش آفرینی در راستای آزادسازی اسرای غیرنظامی خبر داد و خواستار آزادی ۶ هزار اسیر فلسطینی نزد رژیم اشغالگر شد و آزادی آنها را جزو وظایف آمریکا قلمداد کرد. پس از سخنان امیرعبداللهیان در مجمع عمومی، تحرکات دیپلماتیک وزیر امور خارجه در حاشیه نشست ادامه یافت و او با شمار زیادی از مقامات کشورهای حاشیه زمین‌های صغدی، معاون نخست‌وزیر و وزیر خارجه اردن دیدار و درباره پیش‌نویس قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل برای پایان یافتن جنایات اسرائیل بحث و رایزنی کرد. در بخشی از گفته‌های امیرعبداللهیان درباره سازمان ملل متحد یاد شد بر این مهم تأکید شد که این قطعنامه باید شامل سه عنصر آتش بس فوری، لزوم دسترسی و ارسال مستمر کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم مظلوم غزه و مقابله با کوچ اجباری باشد. دیپلماسی فعال ایران در حاشیه نشست سازمان ملل که این روزها به کانون تبادل دیپلماتیک کشورهای عضو درباره بحران فلسطین تبدیل شده است، در حالی ادامه یافت که یکی از نشست‌های شورای امنیت در هفته

پیوند مواضع تهران و ریاض در نشست «جده»

اسلام، بستری برای افزایش همکاری بازیگران مهمی چون ایران و عربستان فراهم کرده که می‌تواند وزن بیشتری به تلاش‌ها در این خصوص بدهد. این در حالی است که پیش از آن، دست کم در دوره‌ای نزدیک به یک دهه، مسأله اسرائیل، خود عامل شکاف جدی میان دولت‌های منطقه شده بود و شماری از این کشورها از جمله امارات، بحرین، سودان و مغرب به سمت عادی‌سازی روابط با اسرائیل گام برداشته بودند، اما امروز جنگ اخیر - به جریان افتادن تحرکات دیپلماتیک تهران در بالاترین سطح، زمینه را برای تبدیل این اختلاف به نقاط همکاری و همکاری



پدیدار و امکان همسویی مواضع بسیاری از کشورها را در این زمینه ایجاد کرد. در عین حال دیپلماسی فعال تهران در بحران غزه عامل دیگری برای افزودن بر زمینه همکاری تهران و ریاض پس از چندین ماه از احیای روابط دیپلماتیک به شمار می‌رفت. چه آنکه اتحاذ یک موضع مشترک و همسو در خصوص فلسطین می‌تواند به وجود آورنده فرصت‌های همکاری و تسهیل‌کننده روند همکاری‌های دیپلماتیک از این دو بازیگر مهم منطقه باشد. این چنین بود که کارل بیلت، رئیس مشترک اندیشکده شورای اروپایی روابط خارجی، همکاری‌های سطح بالای تهران و ریاض را در روند تحولات اخیر غزه یک «تحول استثنایی» خواند.

رایزنی‌های دوجانبه وزیر امور خارجه در منطقه، دیدار سید حسن نصرالله با امیرعبداللهیان (سمت راست) و دیدار امیرعبداللهیان با نخست‌وزیر قطر (سمت چپ)



عکس‌ها، وزارت امور خارجه

تداوم جنگ خونینی که اسرائیل در واکنش به عملیات «طوفان الاقصی» به راه انداخته آخرین حلقه از یک جدال تاریخی باشد که نتیجه‌ای جز عمق یافتن ایجاب تحولات جاری و شکست محتوم اسرائیل نخواهد داشت

تداوم جنگ خونینی که اسرائیل در واکنش به عملیات «طوفان الاقصی» به راه انداخته آخرین حلقه از یک جدال تاریخی باشد که نتیجه‌ای جز عمق یافتن ایجاب تحولات جاری و شکست محتوم اسرائیل نخواهد داشت

اسیر

امیرعبداللهیان از آمادگی ایران، ترکیه و قطر برای نقش آفرینی در راستای آزادسازی اسرای غیرنظامی خبر داد و ۶ هزار اسیر فلسطینی نزد رژیم اشغالگر شد و آزادی آنها را جزو وظایف آمریکا قلمداد کرد

امیرعبداللهیان از آمادگی ایران، ترکیه و قطر برای نقش آفرینی در راستای آزادسازی اسرای غیرنظامی خبر داد و ۶ هزار اسیر فلسطینی نزد رژیم اشغالگر شد و آزادی آنها را جزو وظایف آمریکا قلمداد کرد

امیرعبداللهیان از آمادگی ایران، ترکیه و قطر برای نقش آفرینی در راستای آزادسازی اسرای غیرنظامی خبر داد و ۶ هزار اسیر فلسطینی نزد رژیم اشغالگر شد و آزادی آنها را جزو وظایف آمریکا قلمداد کرد